

در آنجا [در بقعه سلطان محمد طاهر] امام موسی نامی در سال

۸۷۵ به خاک سپرده شده است.<sup>۲</sup>

راینو کتیبه صندوق امامزاده سلطان محمد طاهر را بدین شرح یاد کرده است :

صاحب اختیار هذه العمارة مشهد منور مقدس مطهر امام اعظم سلطان طاهر ابن امام موسی کاظم علیه التحية والرضوان وبناء العمارة بامر امير اعظم شاه معظم امير كبير خلاصة اولاد سيد المرسلين امير مرتضى الحسينى طاب ثراه وجعل جنة ثواه بعد از شاه مرحوم امير اعظم امير محمد الحسينى نورالله قبره مدد دريغ نداشتند وبعدازمغفورين ساختن قبر پرنور از اميرزاده گان عظام امير عبدالکريم و امير عبدالرحيم طاب الله ثراهما و طاب ثواهما و اتمام رسانيدن مشهد مقدس و نهادن قبر پرنور از اميرزاده اعظم اميررضى الدين الحسينى خلدالله ملكه و سلطانه و اوضح على العالمين برهانه حق باريتعالى باد معمار هذه المجاور استاد مولانا شمس الدين ابن نصرالله المطهرى بتاريخ سنة خمس وسبعين وثمانمائه<sup>۳</sup>

مشکوتی درباره سلطان محمد طاهر مطالب زیر را نوشته است :

سلطان محمد طاهر چهار کیلومتری بابل به شاهی ثبت تاریخی ۶۷ بقعه سلطان محمد طاهر فرزند حضرت امام موسی کاظم از لحاظ ساختمانی مانند امامزاده یحیی ساری می باشد . در این مقبره صندوق چوبی نفیسی بر روی مرقد نصب گردیده که مورخ به سال ۷۸۵ هجری است. بانی این بقعه و صندوق بر طبق کتیبه ، امیر مرتضى الحسينى بوده است . معمار بنا استاد شمس الدين ابن نصرالله مطهرى می باشد . ساختمان این برج کثیر-الاضلاعی دارای گنبد هرمی شکل می باشد . ارتفاع آن در حدود ۲۲ متر است. در روی يك در آن تاریخ سال ۸۹۶ هجری حک شده است. در داخل صحن يك قطعه سنگ قبر وجود دارد که در اطراف آن آیات قرآنی به خط

۲- نسخه عکسی ملگتوف ص ۸۲ ب. ۳- سفرنامه مازندران و استرآباد ص ۱۸ ع ۱۹ و ع.

نسخ ممتاز نقر شده است.<sup>۴</sup>

مهجوری درباره این بقعه چنین نوشته است :

آرامگاه این سید در سه کیلومتری بیرون شهر (بابل) قرار دارد و [دری ورودی دولنگه دارد] طول و عرض این دو لنگه در ۲/۳۰ و ۱/۳۰ متر می باشد که هر لنگه آن در عرض ۶۵ سانتیمتر است . بر بالای در صحنه ایست از جنس در به شکل مربع مستطیل به طول ۱/۲۵ متر و عرض ۷۵ سانتیمتر . این درها از شاهکارهای سده نهم هجری است. بر قسمت زیرین يك لنگه «عمل استاد علی بن استاد فخرالدین نجار رازی»<sup>۵</sup> و بر لنگه دیگر «معمار هذه العمارة مولانا ذا الشمس الدين طهنيه»<sup>۶</sup> و تاریخ ۸۹۵ هجری کنده شده است . خود گنبد کثیرالاضلاع است ولی از بام به بالا شکل هرم دارد و ارتفاع گنبد نیز ۲۲ متر می باشد . در درون صحن گنبد سنگی است ظریف به شکل مکعب مستطیل که طول آن پنجاه سانتیمتر و عرض چهل سانتیمتر و قطر ده سانتیمتر و روی آن آیاتی از قرآن و تاریخ ۸۷۵ هجری نقر شده است . و در صحن گنبد بر روی قبر صندوقی است چوبی از جنس درها که مثبت کاری<sup>۷</sup> است و عبارت زیر بر آن نقر شده :

نویسنده عین کتیبه صندوق را که راینو نقل کرده آورده است . اما در دو سه مورد با آن اختلاف دارد . ۱- صاحب اختیار به جای صاحب اختیار . ۲- جعل الجنة به جای جعل جنة . ۳- دریغ نداشته اند به جای دریغ نداشتند . ۴- امیرزادگان به جای امیرزاده گان . ۵- حق باریتعالی به جای حق باریتعالی باد .

ساختمان این مقبره به وسیله امیر مرتضى الحسينى (پسر سید علی نواده میر بزرگ) شروع شد. پس از او پسرش امیر محمد الحسينى و پس از امیر محمد پسرانش ، امیر عبدالکريم و امیر عبدالرحيم ساختمان آنرا ادامه

۴- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ص ۱۳۶ . ۵- در متن کتیبه در باضاد است و ظاهراً غلط است . ۶- آنچه مهجوری خوانده درست نیست نام این مرد «شمس الدين مطهرى» است . ۷- مثبت کاری نیست کنده کاری است .

داده‌اند تا در دوران امیر رضی الدین الحسینی به سال ۸۷۵ به اتمام رسیده است. وضع کنونی بقعه سلطان محمد طاهر:

بنائی است که از داخل و خارج هشت ضلعی است. در هر ضلع از داخل طاقنمایی کم عمق بلند است و بالای هر یک از آنها طاقنمایی کوتاه است. بالای این طاقنماها سقف مدوری از داخل زده‌اند. شمشه‌ای رنگین در وسط طاق است (عکس شماره ۱۵۰).<sup>۸</sup> داخل بنا سفیدکاری است که بر اثر افروختن شمع کمی سیاه شده است.

صندوقی وسط بنا، گور سلطان محمد طاهر را پوشانده است. در ازای آن ۲۶۵ و پهنایش ۱۱۵ و بلندی آن با نظر گرفتن قسمت پایه ۱۳۸ سانتیمتر است. این صندوق قاب و آلت کاری است. ضریحی مشبك به دور این صندوق است. عباراتی که بر آن حك شده است در صفحات قبل نقل کردیم.

در هر يك از اضلاع خارج يك طاقنمای بلند کم عمق است بالای آن دو کتیبه - دندانان آجری و دو ردیف کاشی کاری است بالای آنها قرنیسهای سینه کفتری و بالای قرنیسها، کتیبه دندانان است. بام بنا کلاه درویشی است.

این بنا دارای دو در ورودی است. در قبلی ظاهراً به سرقت رفته و دری تازه ساز به جای آن گذاشته‌اند. دری شرقی دارد که در قدیمی آن برجای است ولی رنگی سبز روی آن کشیده و نمای زیبای در را از میان برده‌اند. بالای هر دو در دو خفنگ نورگیر مشبك بسیار ظریف و پر کار است.

در شرقی بسیار ظریف است و کنده کاریهای زیبا دارد. هر لنگه دارای چهار پاسار و دو تنکه و یک قسمت میانین است.

بر پاسار دوم لنگه سمت راست این عبارات حك شده است:

عمل استاد علی بن استاد فخر الدین نجار راضی سنة تسع و ثمانمائة

(با واوی اضافی)

۸- عکسی از این بنا در مجله امریکائی زیر به نظر رسید:

Bulletin of the American Institute for Persian Art and Archaeology,  
1937, P. 115, fig. 6.

بر پاسار دوم لنگه سمت چپ این عبارت خواننده می‌شود:

معمار هذه العمارت مولانا شمس الدین نصر الله مطهری

دین سر

در دهکده سلطان محمد طاهر یبشۀ بابل

بر سر راه رمنت<sup>۹</sup> بر طرف دست چپ جاده، تپه ایست بزرگ و بیضی شکل که گرداگرد آن خندقی دارد و بالای خندق سطحی افقی به پهنای پنج شش متر دور خاکریز می‌گردد. در فاصله ده متری این کمر بند افقی، سطح خاکریز است. بلندی این خاکریز بیست متر و سطح بالای آن ۷۵ × ۳۵ متر است. پاره آجر و سفال ساده و لعاب دار در خود تپه و اراضی اطراف آن دیده شد.

دین سر

در پایین محله رمنت یبشۀ بابل

در پایین محله رمنت مسلط به آبدان، تپه ایست که بلندی آن ده متر و سطح بالای آن ۵۰ × ۶۰ متر است. قسمتی از اراضی دامنه آن باغ مرکبات شخصی است و قسمتهای دیگر جنگل است. سفالهای ساده در این تپه دیده شد.

تکیه ای قدیمی

در رمنت یبشۀ بابل

بنای تکیه تماماً از آجر است. قسمت وسط فضائی است به درازای ده متر و پهنای پنج متر در این قسمت ده طاقنما با طاق جناغی گوشه دار است و جلو آن پنج ستون بلند با سرستونهای زیبا است. دو اطاق در دو طرف قسمت اصلی است که کفش کن تکیه محسوب می‌شود.

سقانفاری در یک طرف این بنا است که ده ستون چهارسوی پنج زده با سرستونهای

دهان اژدری دارد. لبۀ خارج بنا دارای دوشیرسر و یک پشته است ولی از داخل دارای

۹- بفتح راء و کسر میم و نون.

يك شیرسر است سقف آن پلورکشی و تخته کوبی است .

بریکی از تخته‌های سقف مطالب زیر با مرکب سیاه نوشته شده است :

عمل استادی صناعت دستگاها استاد دوست محمد و استاد ولی محمد

لاسمی بشاگردی استاد علی

بر تخته دیگر :

و كان من الهجرة النبويه في يوم الاثنين من شهر صفر المظفر بتاريخ

سنة ۱۲۹۵ يادداشت آخوند ملا نصر الله غفر الله له

بر تخته ای جداگانه که به سقانفار کوبیده اند :

بفدای تارك محمد [علی] يد رمضان ۲ صفر ۱۲۹۵

کبچا تکیه

در حمزه کالی بیشه بابل

قسمت اصلی تکیه را نوسازی کرده اند و از نظر تاریخی و هنری ارزشی ندارد.

اما سقاتالار آن بسیار زیباست و به جرأت می توان گفت که زیباترین و پرکارترین سقا -

تالاری است که تاکنون دیده شده است (عکسهای شماره ۱۵۱ و ۱۵۲). این سقاتالار

شامل دو قسمت اصلی بالا و پایین است . قسمت بالا فضائی است به پهنای ۳ و درازای

چهار متر که اطراف آن چهارده ستون لاج لنگری مارپیچ بسیار ظریف است . شش

سرستون آنها دهان اژدری است و در مابقی به جای نقش دهان اژدری کلمات «باقاضی

الحاجات» را با خط عکس حک کرده اند (عکس شماره ۱۵۳) . سقف این قسمت

دو رده شیرسر ظریف پرکار تراش دار دارد (عکس شماره ۱۵۴) و بالای آنها هشت

پلور نیم گرد با نقش تراشیده ای در وسط کشیده اند بالای پلورها تخته کوبی است .

بر تخته ها نقاشیهای مختلف بدین شرح است :

جبرئیل - خورشید - دیو - بدنهای انسانی با سرهائی نظیر سگ و شغال -

ماهی - پرنندگان مختلف - اژدها - سه طبال که یکی از آنها سبیلی بزرگ دارد -

سه سرناچی که یکی از آنها سبیلی بسیار بزرگ دارد - چهار تفنگچی - شیری که

بر پشت آهوجمله کرده است - جن - مردی قلیان بدست - شکارچی با تفنگی سرپر -

دو اژه کش که با اژه ای کنده ای را اژه می کنند - مالک عذاب - پرنده ای که دنبال

ماهی بزرگی را در دهان گرفته - ماهی گیر - رستم و دیوسفید - دختری که گاو می -

دوشد - اسرافیل مشغول دمیدن در صور - سرو - بچه - اسب - نامه عمل خوب که

به دست فرشته ایست و بر آن نامه نوشته است « مشهدی محمد علی خان و کربلائی

یوسف و کربلائی تقی» - فرهاد کوهکن - چوپان با گوسفندان - زارع در حال درو -

شیرین بر سر جان کندن فرهاد - زن زیبایی که برگردن او مار پیچیده است - فیل -

ماری که دور مرغی پیچیده است .

بریکی از تخته‌های سقف با خطی خوش نوشته است :

بانی این سقا تالار مشهدی علی خان

عمل نجاری از مشهدی داداش نوائی

سنة ۱۳۰۶

گرداگرد این فضای اصلی راهروئی است که پهنای آن در حدود يك متر است . قسمت

زیرین این سقا تالار را چون روغن زده بودند بسیار تروتازه بود . نقش و نگار این

قسمت کمتر از قسمت بالا است . این قسمت شامل ده ستون است که دوه دو نقشهای

کنده کاریهای آنها یکی است . دوعده از آنها لاج لنگری مارپیچ و دوعده لاج لنگری

هفت و هشت و مابقی ستونهای چهارسوی پخ زده است که وسط آنها نقش کنده کاری

دارد . سرستونهای چهارکنج ، دهان اژدری است که اژدهای آن را از داخل رنگ -

آمیزی کرده اند و سرهر اژدهائی شاخی از چوب دوسه شاخه نظیر شاخ گوزن است .

شاخهای اژدهاها به طرف پایین است .

بر تخته ای از سقف با خط خوش نستعلیق نوشته شده است :

حرره القاضی حاجی آقا بارفروشی سنة ۱۳۰۶

باقی بناها و آثار تاریخی بیشه بابل

۱- درویش عابدین ، از رمنت که به طرف دریا می روند این مقبره در کنار راه

است . درمحل بررسی شد آثار تاریخی و هنری نداشت .  
 ۲- ملگنوف از تریبی در کبودکلا از دهکده‌های بندپی بابل نام می‌برد (نسخه خطی ترجمه ملگنوف ص ۸۴ ب) ولی در بندپی دهکده‌ای به نام کبودکلا نیافتیم ، ظاهراً از دهکده‌های پیشه است . در (فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۳) آمده است : کبودکلا ده از دهستان پیشه بخش مرکزی شهرستان بابل شش کیلومتری جنوب شرقی بابل ، دو کیلومتری جنوب راه بابل به شاهی (علی‌آباد) .

#### ۶- بناها و آثار تاریخی ناحیه مشهدگنج افروز بابل

مختصری از جغرافیای مشهدگنج افروز = گنجوروز

مشهدگنج افروز ناحیه ایست که از شمال به ناحیه پیشه و از غرب به ساسی کلام ولاله آباد و از جنوب به بندپی و از مشرق به بالاتجن و علی‌آباد محدود می‌شود. بیشتر دهکده‌های این ناحیه در دشت است . آبش از رود خانه سرچه رود (= سجه‌رو = سجادرود) و بابل رود است . محمد شاه ایل عمران‌لو را از قرا باغ و قراداغ به گلوگاه بندپی کوچانده است<sup>۱</sup> و طایفه عمران بازماندگان آنان است .

#### ۶- بناها و آثار تاریخی مشهدگنج افروز

عمارت تپه

در طرف راست رود خانه بابل رود ، نزدیک به دهکده گلوگاه تپه‌ای به نام «عمارت تپه» است که بالای آن عمارتی بزرگ بوده است .<sup>۲</sup>

مشهد سرا<sup>۳</sup>

از دهکده‌های مشهدگنج افروز

محمد شاه قاجار در این دهکده چشم به جهان گشود .

۱- نسخه عکسی ملگنوف ص ۶۰ الف . ۲- نسخه عکسی ملگنوف ص ۳۸ ب .  
 ۳- مشهد سرا ده از دهستان مشهدگنج افروز بخش مرکزی شهرستان بابل ۱۷ کیلومتری جنوب بابل (فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۳) .

## قلعه و لوکلاته ۴

در دهکده و لوکلای مشهدگنج افروز

نویسنده تاریخ خاندان مرعشی این محل را «محل حصینی» دانسته، ظاهراً دهکده‌ای مستحکم و قلعه مانند بوده است.

کوشک سراه

در مشهدگنج افروز

ظاهر آکخی قدیمی در این محل بوده است.

خانه آقای ناصر امیر سلیمانی پسر احمد

در کلافر محله ۶ مشهدگنج افروز

بنائی است شامل دو اتاق و دو صندوقخانه و یک تالار. دو اتاق در دو طرف بناست. صندوقخانه اول در سمت چپ اتاق سمت راست و صندوقخانه دوم در سمت راست اتاق دست چپ است. جلسو صندوقخانه‌ها راهروهای است که به دو اتاق طرفین می‌رود. تالار در وسط است و دوجدار آن به دو صندوقخانه منتهی می‌شود. جلو تالار باز است. تالار دارای پنج در به طرف شمال است که بالای آنها پنج پنجره مشبک باشیشه‌های رنگی است. هر اتاق دارای هشت باب در که به خارج گشوده می‌شود و یک باب در ورودی که از جلو صندوقخانه بدان وارد می‌شوند. تالار دارای دو در ورودی در راهروهای جلو صندوقخانه‌هاست (عکس شماره ۱۵۵).

در یکی از اتاقهای طرفین بنا، سربخاری ظریفی با گچ بری و نقاشیهای زیباست (عکس شماره ۱۵۶ و ۱۵۷).

۴- لوکلاد ده از دهستان مشهدگنج افروز بخش مرکزی شهرستان بابل ۱۴ کیلومتری جنوب بابل ۲ کیلومتری غرب راه فرعی بابل به بابل کنار (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳).  
۵- تاریخ خاندان مرعشی ص ۱۴۸. ۶- بفتح کاف کلا نوعی کوزه بزرگ را گویند در مثل گویند: گت تر از کلا دوشن دی کته. بسزرگتر از کلا دوشن نیز هست. به جوانی گویند که در میان پیران اظهار لحنیه کند.

## درویش فخر

در اراضی بالا سرست مشهد ۷ گنج افروز

نمای خارجی بقعه چهار گوشه است. در هر جدار دوطاقما است بالای هر طاقما جای کتیبه است. بالای جای کتیبه‌های مستطیل، قرنیسهای سینه کفتری است و بالای قرنیسها، کاشیهای نیم دایره، میان هر دو قرنیس نصب کرده‌اند. بالای آنها کتیبه دندان است. با جمع کردن گوشه‌های بنا، هشت ضلعی به وجود آمده است. بالای این هشت ضلعی گنبدی به شکل هرم مثنی القاعده زده‌اند (عکس ۱۵۸ و ۱۵۹). ابعاد داخلی بنا ۲۸۳ × ۲۸۳ سانتیمتر است. در جدار شمالی یک جاچراغی است و در جدار جنوبی پنجره‌ای نورگیر به ابعاد ۴۴ × ۶۶ نزدیک به دست راست این جدار است. در جدار شرقی یک جاچراغی و یک در ورودی است. جاچراغی طرف دست راست و در ورودی طرف دست چپ این جدار است. با چهار گوشوار دهانه چهار گوشه گنبد را جمع کرده و به هشت ضلعی تبدیل کرده‌اند و از داخل گنبدی مدور بلند بر آن زده‌اند. در ورودی بقعه به پهنای ۹۶ و بلندی ۲۲۰ سانتیمتر است.

مقبره ملا محمد شهر آشوب

در دهکده بنجرکلا از دهکده‌های مشهدگنج افروز

مسلماً این مقبره مرقد شیخ رشیدالدین ابو جعفر محمد بن علی بن شهر آشوب السروی نیست که از فحول علمای قرن ششم و اهل ساری بوده و در زمان الممتقی (۵۵۵ - ۵۳۰) در بغداد بر منبر می‌رفت.<sup>۸</sup> زیرا وی به حلب مهاجرت کرد و تا پایان عمر در آنجا بود و در شعبان سال ۵۷۹ رخت به سرای باقی کشید و همانجا در دامنه کوه جوشن در مشهد محسن السقط بن حسین بن علی به خاک سپرده شد.<sup>۹</sup>

۷- بکسر سین و راه، بالا سرست ده از دهستان مشهدگنج افروز بخش مرکزی شهرستان بابل ۱۰/۵ کیلومتری جنوب بابل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳). ۸- مجمع البیان طبری ج ۱ ص ۳۰۱. ۹- طبقات المفسرین سیوطی ص ۳۷ و معالم العلماء تألیف ابن شهر آشوب با مقدمه عباس اقبال ص ۷-۱۰ به نقل از شهر بابل.

شاید ابن مقبره مرقد پدر او باشد که علی نام داشت و پسر شهر آشوب بود. با شخص دیگری از مردان این خاندان است که معروف به شهر آشوب یا ابن شهر-آشوب بوده‌اند.<sup>۱۰</sup>

بنای بقعه در اراضی دهکده بنگر کلا در وسط فضائی باز و دلگشا است. دیواری در اطراف اراضی بقعه کشیده‌اند. بنای اصلی مرکب از سه اطاق است که مرقد شهر آشوب در اطاق وسط است. قبر هموار و هم سطح زمین است. صندوقی چوبین روی قبر اوست و اطراف صندوق ضریحی مشبک به درازای ۲۵۰ و پهنای ۱۷۵ و بلندی ۲۰ سانتیمتر قرار داده‌اند. این ساختمان و ضریح را حیدرخان معروف به معز السلطان کلاگر محله‌ای در سال ۱۳۲۳ ساخته است. این تاریخ به بالای درهای ورودی شمالی و جنوبی دیده می‌شود، قبل از این تاریخ مقبره کوچکی بدون ضریح و صندوق بوده است. از دوران قبل از تعمیر تنها اثر مورخی که باقی مانده زیارتنامه‌ای است که در ۱۵ شهر محرم الحرام سنه ۱۳۱۰ نوشته شده و ابتدای آن چنین است:

السلام عليك يا محمد بن شهر آشوب.....

اما در زیارتنامه جدید که تاریخ آن چهارم شهر ذی‌قعدة الحرام ۱۳۷۱ است چنین نوشته شده است:

زیارت می‌کنم این آقای بزرگوار محمد بن شهر آشوب را...

السلام عليك ايها العالم الرباني... السلام عليك ايها الشيخ العالم العامل يا محمد بن علي بن شهر آشوب.....

تشابه این نام با اسم شیخ رشیدالدین ابوجعفر محمد بن علی بن شهر آشوب ساروی سبب شده است که عده‌ای این هردو اسم را یک شخصیت بدانند. لوحه‌ای دیگر بر ضریح نصب است که بر یک روی آن زیارتنامه ملا محمد بتاریخ ذی‌الحجه توشقان ثیل

۱۰- جغرافیای تاریخی مازندران ص ۳۱۳. به نقل از شهر بابل پوراندخت حسین‌زاده. ملکنوف تربت ملا محمد شهر آشوب را در دهکده‌ای به همین نام در مشهد گنج افروزمی‌داند (نسخه عکسی ملکنوف ص ۷۴ ب).

۱۳۴۵ به امضای « اقل السادات میرزا سید حسین جان دبیر قاجار » است و بر روی دیگر آن عبارات زیر نوشته شده است :

بتوفیق یزدان پاك در زمانی که اقل السادات در خدمت حضرت مستطاب اشرف امجد ارفع اعظم بندگان آقای مشیر السلطنه دامت شوکتہ بمازندران آمده بودم دیدم حضرت معظم الیه در چند سال قبل سدی بر رودخانه مطالان<sup>۱۱</sup> بسته‌اند و ناتمام مانده ، جداً محض ترفیه حال عامه رعایا از حضرت معظم خواستار شدم که سد مزبور را به اتمام برسانند تلافی فرموده استدعای حقیر را قبول فرمودند و اقدام مجدانه در اتمام سد مزبور نمودند تا بحمد الله والمنة بمراحم حضرتش در نیمه ذی الحجه توشقان ثیل سد مذکور بنام نامی مبارکش اتمام یافت از باطن حضرت ملا محمد بن شهر آشوب نور مضجعه بقای او را خواستاریم ۱۳۴۵ هجری قمری .»

وضع کنونی مرقد ملا محمد شهر آشوب

بنای بقعه ملا محمد شامل سه اطاق است که در اطاق وسط مرقد اوست و ایوانی گرداگرد بنا می‌چرخد. اطاق وسط ۴۲۰ × ۶۰۰ سانتیمتر است. در هر یک از دو جدار قبلی و شمالی این اطاق چهار طاقنماست که در ورودی در وسط آنهاست. در هر یک از دو جدار غربی و شرقی دو طاقنماست و وسط آنها یک طاقچه است که بالای آن رف است. سقف بنا قاب کوبی است.

در دو طرف این اطاق دو اطاق دیگر است. هر یک از اطاقها دو در شمالی و دو در جنوبی دارند. اطاق غربی یک در به طرف غرب و اطاق شرقی یک در به طرف شرق دارد که هردو، در ایوانهای شرقی و غربی گشوده می‌شوند.

ایوانی دور این سه اطاق می‌چرخد پهنای آن ۳۰۰ سانتیمتر است و دو ایوان شمالی و جنوبی به درازای ۱۹ متر است. ایوانهای شرقی و غربی بازده متر درازا

۱۱- این رودخانه را به تلفظ محلی «متالون» گویند.

دارند. جلو هریک از ایوانهای شمالی و جنوبی هشت فیلبای مربع آجری است و جلو ایوانهای شرقی و غربی ۵ فیلباست. (عکس شماره ۱۶۰) در وسط اطاق وسطی صندوقی با قاب و آلت کاری قبر ملامحمد را پوشانده است. ضریح مشبکی این صندوق را احاطه کرده درازای آن ۲۴۸ و پهنایش ۱۵۷ و بلندیش نیز ۱۵۷ سانتیمتر است.

#### قلعه کتی

نزدیک بقعه ملامحمد در بنجر کلای گنج افروز در فاصله کمی از بقعه ملامحمد خالك ریزی است که ظاهراً روزی قلعه‌ای قدیمی بر آن بوده است.

#### اما مزاده محمد

#### در اطاق سرای ابوالحسن کلای گنج افروز

بنائی است هشت ضلعی بزرگ و بلند. پهنای جدار خارجی هریک از اضلاع ۴۶۵ سانتیمتر و در چهار جدار چهار طاقنمای بلند است. در ورودی اصلی بنا، شمالی بوده است که فعلاً از خارج جلو آن را با آجر چیده‌اند. پهنای این در ۴۹ و بلندی آن ۱۵۷ سانتیمتر است.

مطالب زیر بر پاسار بالای لنگه سمت راست خوانده می‌شود:

عاملها و صانعا محمد تقی ابن محمد رفیع بوده است که ...

بر پاسار بالای لنگه سمت چپ:

۱۲- این قسمت از کتیبه بدون ذکر تاریخ در سفرنامه مازندران و استرآباد رابینو متن انگلیسی قسمت کتیبه‌ها ص ۱۹ ع آمده است و مهجوری در تاریخ مازندران خود ج ۲ ص ۳۴۴ عیناً آن را بدون ذکر مأخذ نقل کرده است و پوران دخت حسین‌زاده در کتاب شهر بابل خود عین کتیبه را با ذکر مأخذ آورده اما ابوالحسن کلا را به ابوالحسن آباد تبدیل کرده است (شهر بابل ص ۶۱).

قال النبی صلی الله علیه وآله وسلم الدنيا جيفة وطالبها كلاب

بر پاسار پایین لنگه سمت راست همین در :

بحسب الفرمودة سعادت پناه محمد کاظم مشهدبان کاتب الفقیر

عبدالعظیم مهدی<sup>۱۳</sup>

اللهم صل علی ومحمد وسلم آل محمد آل صلی الله علیه و [كذا]

در ورودی کنونی بقعه در مسجد تازه سازی است که متصل به بقعه است. قسمتی از این مسجد قدیمی است و پنجره‌های ارسی قدیمی جلو این قسمت از بناست. در ورودی ظاهراً در این قسمت قدیمی مسجد بوده است. پهنای این در ۵۷ و بلندی آن ۱۸۰ سانتیمتر است. این آیات و عبارات بر آن خوانده می‌شود:

بر پاسار بالای لنگه سمت چپ :

بسم الله الرحمن الرحيم الله لا اله الا هو الحي القيوم

بر پاسار بالای لنگه سمت راست :

لاتأخذنه سنة ولا نوم - تا - ما فی السموات وما فی الارض

بر بائوی سمت چپ لنگه سمت راست :

من ذا الذی یشفع عنده - تا - هو العلی العظیم لا اکراه فی الدین

بر پاسار پایین لنگه سمت راست که وارو نوشته‌اند :

قد تبین الرشد من الغی فمن یکفر بالطاغوت ویؤمن

بر بائوی سمت راست لنگه سمت راست :

بالله فقد استمسک بالعروة - تا - اولئك اصحاب النار هم

بر بائوی سمت چپ لنگه سمت چپ :

فیها خالدون بسم الله الرحمن الرحيم سبح اسم ربك الاعلی - تا -

یعلم الجهر وما یخفی وینسرك بالانثی

۱۳- این قسمت از کتیبه در سفرنامه مازندران و استرآباد رابینو متن انگلیسی قسمت کتیبه‌ها ص ۱۹ ع آمده است و در متن انگلیسی ص ۱۱۸ کاتب را به اشتباه عبدالعزیز مهدی نوشته است.

بر پاسار پایین لنگه سمت چپ:

[عبارات خواند نمی‌شود]

بر باثوی سمت راست لنگه سمت چپ:

یصلی النار الکبری ثم لایموت - تا - صحف ابراهیم و موسی

بر پاسار بالای لنگه سمت راست:

آمد که بسم الله الرحمن الرحیم یس الرحمن الرحیم است [کذا]

بر پاسار بالای لنگه سمت چپ:

موام اینم رغ رحیم یس ذکر کریم است [کذا]

بر پاسار پایین لنگه سمت راست:

نجارباشی ولد استاد میر حسن بحسب الفرموده درویش حسین

آهنگر در غره محرم الحرام سنه ۸۲ [ریختگی دارد]

بر پاسار پایین لنگه سمت چپ:

قدتمت الباب بعون الملك الوهاب علی یدافقر عبادالله استاد

حاجی محمود.

متن در، قاب و گره کاری بسیار ظریف است (عکس شماره ۱۶۱).

بنا از داخل نیز هشت ضلعی است که پهنای هر ضلع آن به ۳۳۵ سانتیمتر

می‌رسد (عکس شماره ۱۶۲) در میان بنا ضریحی مشبك چوبین مرقد را پوشانده

است پهنای آن ۲۲۶ و درازایش ۳۱۶ و بلندیش ۱۵۰ سانتیمتر است.

سقف بنا شامل سه فرسب است که تیرهای چهار سو بر بالای فرسبها انداخته‌اند

و بالای تیر تنخته کوبی است. لبه بنا از خارج دارای يك چکش گردان و يك پشته

است. بام بنا سفالپوش است.

نزدیک به بقعه امامزاده محمد، آثار شهری خراب است که آجرهای فراوان

به اندازه‌های مختلف از آن محل به دست می‌آورده‌اند. این اراضی را چندیست

شخم زده و کاشته‌اند و امروز تبدیل به مزرعه شده است.

باقی بناها و آثار تاریخی ناحیه گنج افروز

۱- سید ذوالفقار در دهکده حاجی کلای گنج افروز.

## ۷- بناها و آثار تاریخی ناحیه بندپی بابل

### مختصری از جغرافیای بندپی

بندپی از بخشهای تابع شهرستان بابل (بارفروش) است که در جنوب آن قرار دارد. این بخش از شمال به نواحی گنج افروز و ساسی کلام و لاله آباد و از مشرق به ناحیه سوادکوه که جزء شاهی (علی آباد) است و از غرب و جنوب به بخش لاریجان که جزء شهرستان آمل است محدود می‌شود.

بخش بندپی را می‌توان به سه قسمت متمایز تقسیم کرد: قسمت دشت و قسمت جنوبی آن که میان بند است و شامل کوههای جنگلی است و قسمتی که در جنوب میان بند قرار می‌گیرد و منطقه‌ای کوهستانی و نخاس کوه (کوههای بدون درخت) است. رودخانه‌های این بخش از غرب به شرق به نامهای زیر خوانده می‌شوند:

۱- کلارود که سرچشمه‌های آن در میان بند است و پاره‌ای از دهکده‌های دشت

را آبیاری می‌کند و مازاد آب آن نزدیک پل محمد حسن خان به رودخانه کاری می‌ریزد.

۲- رودخانه سرچهرود (= سچهرود، سجادرود) که سرچشمه‌های آن مرتفعات

جنوبی شیخ موسی معروف به کوه تنگه است و پس از آبیاری بیشتر دهکده‌های

دشتی بابل در حدود ولو کلا به بابل رود می‌ریزد.

۳- شکرالله رود که سرچشمه آن مرتفعات سیاه کوره سر (میان بندپی و لاریجان)

است و پس از آبیاری برخی از دهکده‌ها به رودخانه هراز منتهی می‌شود.<sup>۱</sup>

۱- فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۳.



## ۷- بناها و آثار تاریخی ناحیه بندپی بابل

قلعه پیروزی = قلعه فیروزجاه = قلعه فیروزشاه  
در کنار سرچه رود (سجادرود)

ظاهراً این قلعه در حدود سال ۹۶۸ ه. ق. در دوران حکمرانی میرعلی خان از خاندان مرعشی مازندران خراب بوده و او تصمیم می‌گیرد که آن را از نو آباد کند. صاحب تاریخ خاندان مرعشی در این باره می‌نویسد:

در این وقت میرعلی خان<sup>۳</sup> به موضعی که به ولو کلاته<sup>۴</sup> مشهور است و محل حصین است نزول نموده، قلعه پیروزی را که در کنار بابل رود در بالای کوه است عمارت می‌نمود.<sup>۵</sup>

میر عبدالکریم و آقا محمد که در تعقیب او بودند، جاسوسان فرستاده و معلوم کردند که او با معدودی چند مشغول تعمیر قلعه است. با سپاهیان خود به او حمله بردند. اما یکی از طرفداران میرعلی خان او را خبر داد و او خود را به قلعه کشاند. پس از رسیدن ایشان و طلب ملاقات کردن، او از قلعه بیرون نیامد و فرزند خود - میرزین - العابدین - را با طعام و وسایل پذیرائی بیرون فرستاد.<sup>۵</sup>

پس از میرعلی خان نیز این قلعه در دست بازماندگان او باقی بود ولی دیری نپایید که به دست میرسلطان مراد خان افتاد. صاحب تاریخ خاندان مرعشی در این باره می‌نویسد:

اما قلعه فیروزجاه که از مشاهیر قلاع آن ولایت (مازندران) بود، در تحت تصرف اولاد میرعلی خان بود. بعد از قتل میرزین العابدین و فرار

۲- میرعلی خان بن میرقوام الدین بن میرعلی خان بن میرقوام الدین بن سیدمحمد بن سید مرتضی بن سیدعلی بن سیدکمال الدین بن میرقوام الدین مرعشی. ۳- ولو کلاته ده از دهستان مشهد گنج افروز بخش مرکزی شهرستان بابل ۱۴ کیلومتری جنوب بابل ۲ کیلو- متری غرب راه فرعی بابل به بابلکنار (فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۳). ۴- تاریخ خاندان مرعشی ص ۹۵ و ۹۶. ۵- تاریخ خاندان مرعشی ص ۹۶ و ۹۷.

میرقوام الدین (فرزندان میرعلی خان)، تحت تصرف گماشتگان میرعبداللہ خان درآمد. در این وقت به نوازریق - برادر جلال الدین پروانچی - که از طفولیت مربی تربیت او بود، سپرده بود و اعتماد کلی بر او داشت. آن نامرد مردود جهت قلبی که برای او فرستاده بودند، فریفته گشته، قلعه را به معتمدان میرسلطان مرادخان سپرد. این خبر ملالت اثر بر پیشگاه ضمیر میرعبداللہ خان تاخت، آتش غضب قیامت لهب مشتمل گشته، به حضور جلال الدین که مهر آسمان خوبی و صباحت او مثل زدندی فرمان داده، بعد از حضور به دار عبرت آویختند.

برادر خواجہ شرف الدین قطب را که به منصب وزارت قیام می‌نمود - جلال الدین نام - اراده گریختن نمود. خبردار شده بگرفت وینی بریده رها کرد. بدین سبب کسانی که در خدمت او بودند نا امید شده، به اندک فرصت خود را از قلعه بیرون می‌انداختند. تا آنکه چند نفر از غلامان نیز فرار نموده، به خدمت میرسلطان مراد خان رفتند.

در این اثنا از قضای آسمانی آتشی در قلعه افتاد. هر چند سعی کردند حتی خود متکفل اطفاء آن شدند و آنچه مایعات بود از گلاب و عرق بهار و آبلیمو جمیع را صرف نموده، به جای آب بر آتش ریختند مفید نیفتاد. اکثر عمارات قلعه محترق شد. چون اثر بخت برگشتگی را مشاهده نمود، عزم رفتن اردوی معلی نمود. کوچ و متعلقان را به رستمدر به‌خانه ملک کیومرث نور که پسرخال او بود فرستاد. دست دو پسر خود - میر عبدالکریم و میر عزیز - را گرفته و شمشیر در گردن انداخته، روانه قزوین شدند.<sup>۶</sup>

پس از اینکه قلعه فیروزجاه به دست میرسلطان مرادخان افتاد، او توانست بعدها میرعلی خان را دستگیر و در قلعه زندانی کند.<sup>۷</sup> میرعلی خان مدتها در قلعه فیروزجاه به زندان بود. باسید مرتضای حسام که با او

۶- تاریخ خاندان مرعشی ص ۱۴۳ و ۱۴۴. ۷- تاریخ خاندان مرعشی ص ۱۷۱.

هم‌زنجیر بود قرار می‌گذارند که اگر روزی یکی از ایشان آزاد شود، بدون دیگری از زندان بیرون‌نرود و در صورت آزاد شدن هردو از زندان، میرعلی‌خان والی مازندران وسید مرتضی و کیل او باشد. بالاخره طرفداران این‌دو، نزد سلطان مرادخان شفاعت کردند و ایشان را از زندان قلعه فیروزجاه آزاد کرد.<sup>۸</sup>

پس از مدتی مخالفان میرزاخان سر بلند کردند و از در مخالفت با او درآمدند. میرزاخان پس از فرار از دست مخالفان، می‌خواست خود را به قلعه فیروزجاه برساند، چون راه را نمی‌دانست، روز تاشب و شب تاصبح اسب خود را راند تا از شیرگاه سر به در آورد. پس از استراحت در شیرگاه بلدراه گرفت و خود را به قلعه فیروزجاه رسانید.

کوتوال قلعه از او پذیرائی کرد و سربازان پراکنده او کم‌کم در قلعه جمع شدند.<sup>۹</sup> چون میرزاخان در قلعه مستقر شد و میرعلی‌خان از حال او خبردار گشت، پس از کسب تکلیف از دربار سلطان محمد خدا بنده صفوی مصمم شد که به محاصره قلعه برود. سربازان خود را جمع کرد و به راه افتاد. خبر به ساکنان قلعه رسیده، پریشان حال گشتند و سران قوم به شور نشستند. سرانجام نظر زین العابدین افراسیاب را پسندیدند و قرار شد که او با تفنگچیان زبده، در دره سرچهرود، همراه بر میرعلی‌خان بگیرد و قبل از رسیدن به قلعه کار او را بسازد. ساکنان قلعه قرار گذاشتند که پنجاه تن سرباز ورزیده به زین العابدین افراسیاب و پنجاه تن دیگر به گودرز آهنگر آملی بدهند و دوطرف تنگه را بگیرند و میرعلی‌خان را قبل از رسیدن به قلعه از پای در آورند. جاسوسان فرستادند تا مشخصات لباس وزین و برگ و اسب میرعلی‌خان را دریابند و خبر آورند. جاسوسان نیز به وظیفه خود عمل کردند.<sup>۱۰</sup>

فردای آن روز که میرعلی‌خان به قصد محاصره قلعه به راه افتاد، در اثنای راه خواجه افتخار که از علمای وقت بود و می‌خواست در اردو میرعلی‌خان را ملاقات کند، در راه او را دید و لباس خود را برای تیمم و تبرک از تن خویش بیرون آورد و بر میرعلی‌خان پوشاند و اسب خود را نیز بدو داد و سواره در خدمت میرعلی‌خان رکاب به رکاب

۸- تاریخ خاندان مرعشی ص ۱۹۶ و ۱۹۷ . ۹- همین کتاب ص ۲۲۹ و ۲۳۰ .

۱۰- تاریخ خاندان مرعشی مازندران صفحات ۲۳۵-۲۳۷ .

به راه افتاد. چون به تنگنای دره رسیدند از دوطرف صدای شلیک تفنگ بلند شد و زین العابدین افراسیاب و گودرز آهنگر آملی، به جای میرعلی‌خان خواجه افتخار را زدند و میرعلی‌خان سالم ماند اما سه تفنگدار دیگر سه تیر به طرف میرعلی‌خان رها کردند ولی هیچک از گلوله‌ها مؤثر واقع نشد.<sup>۱۱</sup>

زین العابدین افراسیاب که مأمور قتل میرعلی‌خان بود به خیال اینکه او را از پای در آورده است، به قلعه بازگشت و خبر رسانید. ساکنان قلعه شادبها کردند. اما طولی نکشید که خبر آوردند میرعلی‌خان زنده است و به طرف قلعه می‌آید. یأس اهالی قلعه را گرفت و به تهیه اسباب قلعه‌داری پرداختند. مدت سه ماه جنگ برقرار بود و کاری از پیش نرفت «جهت آنکه قلعه در بالای کوه بود و حصار قلعه و بروج آن با حصن حصین «سبع شداد» دعوی همسری می‌نمود.» بالاخره ساکنان قلعه به فکر شبیخون افتادند.

زین العابدین افراسیاب نوبت دیگر به میرزاخان گفت که بار اول اجل میر-علی‌خان نرسیده بود که با آن همه تیر تفنگ از مهلکه سالم بیرون آمد. این بار کریم زیاز را که در بان کله بست و چپر است می‌بینم و او را می‌فریسم و راه را برای ورود قلعه نشینان باز می‌کنم.

زین العابدین پنهانی از کریم زیاز دیدن کرد و با او قرار گذاشت که هنگام حمله قلعه نشینان او میرعلی‌خان را از میان بردارد یا راه رسیدن به خانه او را نشان بدهد تا زین العابدین کارش را بسازد.

ایشان در وقت موعود از قلعه بیرون آمدند و داخل کله بست شدند. اما میرعلی-خان هر کس را که به خانه او نزدیک می‌شد با تیر تفنگ از پای در می‌آورد. زین العابدین افراسیاب و هفت تن دیگر را که به او حمله کردند همراه گشت و خود فاتح و مظفر شد.<sup>۱۲</sup> میرعلی‌خان دست از محاصره قلعه برداشت و با اینکه از قزلباشان و سربازان دربار صفوی برای فتح قلعه به او یاری می‌کردند، باز کمک معجزه خواست و سلطان

۱۱- تاریخ خاندان مرعشی صفحات ۲۳۷ - ۲۳۹ . ۱۲- تاریخ خاندان مرعشی

صفحات ۲۳۸ - ۲۴۴ .

محمد خدا بنده شاهرخ خان را با فوجی از سربازان و چند تن از سرکردگان قشون به یاری او فرستاد.

چون مدت محاصره به درازا کشید قرار شد آب را بر قلعه نشینان ببندند. پس از بستن آب قلعه نشینان به تنگ آمدند و تسلیم شدند و با وعده و امان یافتن از قلعه به زیر آمدند و نیمه شب بود که راه خود گرفتند و رفتند و هنگام صبح سپاهیان میر علی خان قلعه را خالی دیدند و به تصرف آن پرداختند. ولی میرزاخان در قلعه بماند و قصد مقاومت و ایستادگی داشت. فردای آن روز به او وعده دادند که او را به خدمت سلطان محمد خدا بنده خواهند برد و درخواست جرایم او را خواهند کرد. سرانجام میرزاخان از قلعه به زیر آمد و همراه شاهرخ خان و پیرمحمدخان به اردوی سلطان محمد خدا بنده رفت. قلعه در تاریخ شنبه دهم شهر شوال ۹۸۵ به محاصره درآمد و روز پنجشنبه ۲۴ ربیع الثانی سنه ۹۸۷ فتح شد.

در قلعه از نقد و جنس شصت هزار تومان بود سوای کتابخانه که مملو بود از کتب نفیس که آن را به مبلغ شش هزار تومان تقویم کردند و تمام را سیاه کرده به درگاه سلطان محمد خدا بنده فرستادند و سایر امرا و لشکریان نیز از غنایم این قلعه سهمی و بهره ای یافتند.

رابینو درباره این قلعه چنین می نویسد:

پس از فوت شاه طهماسب سراسر مازندران زیر فرمان سلطان محمود بن سلطان مراد معروف به میرزاخان درآمد. وقتی دختر میر عبد الله خان ملکه ایران شد، سلطان محمود را به قزوین فراخواند. او از آمدن امتناع کرد و به قلعه فیروز شاه پناهنده شد. مأموران شاه که برای محاصره قلعه اعزام شده بودند، به او اطمینان دادند که قصد کشتن او را ندارند. بالاخره او را به قزوین بردند و به عهد خود وفا نکردند و او را کشتند.<sup>۱۳</sup>

۱۳- تاریخ خاندان مرعشی صفحات ۲۴۵ - ۲۵۵ . ۱۴- ترجمه سفرنامه مازندران و آسترآباد ص ۱۹۰ .

مرقد مولانا میر نظام الدین محمد معروف به پادشاه میر در دهکده پادشاه میر بندپی

در طوماری که از دوران صفویان باقی مانده و در آن نام بقاع متبرک مازندران و نامهای متولیان آن آمده است ، این بقعه را به نام « شاهراده پادشاه امیر » ضبط کرده اند، اما نامی از متولی آن نبرده اند .  
برزگر می نویسد :

مولانا میر نظام الدین محمد بانی تعمیر مسجد کاظم بیگک در سال ۱۱۶۹ می باشد . قبر او در پادشاه امیر بندپی زیارتگاه مردم است .<sup>۱۵</sup>  
ملکنوف نیز ارتربت پادشاه میر در بندپی یاد کرده است .<sup>۱۶</sup>  
مقبره میر نظام الدین در اطافی چهار گوشه است که مسجد بزرگی متصل به آن است . در ورودی اصلی اطافی که گور میر نظام الدین در آن است ۱۹۴ سانتیمتر درازا و ۵۹ سانتیمتر پهنا دارد . بر این در دو لنگه آیات و عبارات زیر حک شده است :

بسم الله الرحمن الرحيم

بر باثوی دست چپ لنگه طرف چپ از بالا به پایین :

الله نور السموات والارض - تا - ولا شرقية ولا غربية

بر باثوی سمت راست لنگه سمت چپ :

یکاد زیتها - تا - هو السميع علیم

بر دو پاسار میانین :

قال النبی صلی الله علیه وآله وسلم

انا مدینه العلم وعلی بابها

بر پاسار زیرین لنگه سمت چپ :

بلغ العلی بکماله کشف الدجی بجماله

۱۵- تاریخ طبرستان برزگر به نقل از شهر بابل پوراندخت حسین زاده ص ۵۰ .  
۱۶- نسخه عکسی ملکنوف ص ۸۴ الف .

بر پاسار بالای لنگه سمت راست :

بسم الله الرحمن الرحيم وبه

بر بانی دست چپ لنگه سمت راست :

الله لا اله الا هو الحي القيوم الرحيم الله لا اله الا هو العليم الكريم

الله لا اله الا هو القدوس القديم الله لا اله الا هو السبوح الحكيم

بر بانی دست راست لنگه سمت راست از پایین به بالا :

الله لا اله الا هو الواحد القهار الله لا اله الا هو الملك الغفار

الله لا اله الا هو الخالق السيار الله لا اله الا هو الحكيم الواحد الجبار

بر پاسار وسط همین لنگه :

حسنت جميع خصاله صلوا عليه وآله

بر پاسار پائین لنگه سمت راست :

عمل نجاری استاد علی اکبر ومشهدی عنایت ورزنی

تحریراً فی شهر صفر ۱۳۲۸ .

میان اطاق مقبره ومسجد بزرگ متصل به آن دری قاب وگره است که بسیار

پرکار و ظریف است پهنای هر لنگه آن ۷۳ و بلندی آن ۲۱۲ سانتیمتر است . عبارات

ونوشته‌های آن بدخط و ناخواناست و همین نکته از ارزش اصلی در بسیار می‌کاهد .

این عبارات بر آن خوانده می‌شود :

بر پاسار بالای لنگه سمت راست :

بانی این درکه واجب التعظیم است سيف الله مرتضى تقى

ابراهيم يد الله پسر حسین پسر حاج آقا

بر پاسار بالای لنگه سمت چپ :

بود بر سرم . . . . نیایش

که سيف الله حاجی است نامش

بر پاسار پایین لنگه سمت چپ :

عمل استاد علی اکبر ومشهدی آقای ورزنی

کتابه موسی ابن ابراهیم فیروزجاهی ۱۳۲۰

بر پاسار پایین لنگه سمت راست :

حیدر و خلیل سرتکریم قربان حمد و ذکر او است [کذا]

یعقوب است شفیع ولی الله ذکر قسم باد [کذا]

ضریحی مشبک چوبین گور میرنظام الدین را پوشانده است که بر چهار طرف حاشیه

بالای آن آیاتی از کلام الله مجید به این شرح حک شده است :

بر حاشیه بالای طرف جنوبی ضریح :

بسم الله الرحمن الرحيم الله لا اله الا - تا - وسع كرسيه السموات

والارض

بر حاشیه بالای طرف غربی :

ولا يؤده حفظهما - والله سمیع علیم

بر حاشیه بالای طرف شمالی :

الله ولی الذین آمنوا - تا - فیها خالدن الله نور

السموات والارض مثل نوره

بر حاشیه بالای طرف شرقی ضریح :

کمشکوة فیها مصباح - تا - یکاد زیتها یضیء

در جدار قبلی ضریح دریچه‌ای دولنگه بسیار ظریف است این عبارات در قسمت بالای

این دریچه حک شده است :

عاملها و صانعها کربلائی غلامرضا و کربلائی علیرضا نوائی سنه

۱۲۸۸ راقم الحروف محمد ابن کربلائی علیقلی فیروزجاهی اللهم اغفر له

ولو الدیه .

بر دریچه ظریف ضریح :

سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین

تخته پاره‌ای که ظاهراً مربوط به صندوق مرقد بوده است که امروز از آن اثری نیست

بر بالای جدار غربی ضریح کوبیده شده است این عبارات بر آن حک شده بود :

السلطان اعظم عادل سلطان نظام الدین صاعد ابن سلطان المرحوم  
سعید صاعد حسینی خادم الفقرا نادعلی شاه ابن اباده اسکندر مجاور غفر  
الله ذنوبه . . . . یا رب .

## قلعه کتی

در میان دهکده‌های بزودی ۱۷ و شاهانه تراش بندپی

خاک ریزی است دستی مدور بزرگ ، بلندی آن در حدود ده متر از سطح زمین اطراف است . طرف شرقی آن برآمدگی بیشتری است که ظاهراً ارگ قلعه بوده است . سطح اراضی بالای این خاک ریز بیش از سه هکتار است . سابقه این قلعه به نام شرك یا شهرک معروف بوده است .

## میری کتی

در سفید تور بندپی

تپه ایست دراز و مرتفع ، بلندی آن از سطح زمین بیش از بیست متر است و سطح اراضی بالای آن صرف نظر از برآمدگیها و فرورفتگیها به هشت هکتار می‌رسد .

## قلعه کتی

در بالای کلای بندپی

بلندی این خاک ریز دستی به ۱۲ متر و سطح اراضی بالای آن به يك هکتار می‌رسد .

## تکیه ای قدیمی

در مقری کلای بندپی

تکیه ایست بسیار زیبا با نقاشیها و کنده کاریها و گچ بریهای ظریف ، دارای اطاقها و تالار بزرگی در وسط . دو در ورودی شمالی و جنوبی دارد که از دو

راهر و وارد فضای اصلی تکیه می‌شود . دو اطاق در دو کنج این فضا در آورده و میان آن دورا شاه نشینی ترتیب داده‌اند . دو اطاق دیگر در طبقه دوم بالای این دو اطاق ساخته‌اند . شاه نشین نیز دو طبقه است . در دو طرف راهروهای طرفین تالار اصلی ، دو اطاق است و بالای این دو اطاق نیز دو اطاق دیگر است . (عکس شماره ۱۶۳) .

بالای دیوارهای فضای اصلی تکیه زیر سقف اشعاری از هفت بند محتشم کاشانی است که بر چوب حک کرده‌اند و در فواصل آنها عبارت «یا ابا عبدالله الحسین» تکرار شده است . جلو اطاقهای طبقه بالا پنجره ارسی است . ارسیها تمام قاب و آلت ظریف دارد .

در بالای درهای ورودی اصلی ابیاتی را گچ بری کرده‌اند در انتهای این گچ-بریها تاریخ شهر محرم الحرام سنه ۱۲۹۶ دیده می‌شود .  
دو ستون چوبین جلو تکیه خوش تراش و دارای سرستونهای زیبا با نقاشیهای رنگا رنگ است .

لبه بیرونی بنا يك چکش گردان و يك پشته است . زیر این چکش گردانها نیز کنده کاریهایی بر چوب دیده می‌شود . انتهای این اشعار کنده کاری شده فی شهر محرم الحرام سنه ۱۱۷۹ خوانده می‌شد .

مرقد سید مهدی کروب<sup>۱۸</sup>

در مقری کلای بندپی

ملگنوف این مرقد را به نام «سید میر کرام» می‌شناسد<sup>۱۹</sup> . بنائی است ساده با مسجدی در جلو . راهرو مدخل بقعه هم سطح زمین است که سطح مسجد را به دو قسمت تقسیم کرده که در حدود هشتاد سانتیمتر از کف راهرو بالاتر است . بر دیوار

۱۸- در طومار متولیان دوران صفوی نام این امامزاده «سید شرف بن معد یکر» ذکر شده و تولیت آن در آن تاریخ با سید شرف الدین بوده است . ۱۹- نسخه عکسی ملگنوف ص ۸۴ الف .

راهروی بقعه، در این مسجد چهار سنگ قبر است مطالب دوتای آنها از قرار زیر است:

لااله الاالله محمد رسول الله علسی ولی الله تاریخ وفات مرحوم  
 مشهدی حسین قلی ولد مرحوم مشهدی ابراهیم کلاشی ۱۲۲۰. لااله الاالله  
 محمد رسول الله علی ولی الله تاریخ وفات مرحوم کربلائی محسن ولد  
 مرحوم آقا عباسقلی فکچالی یوم پنجشنبه غره محرم الحرام سنه ۱۲۹۶.  
 ضریحی مشبک در وسط اطاق مقبره گور سید را پوشانده است درازای آن ۲۷۷  
 وپهنایش ۱۲۸ وبلندیش ۱۴۶ سانتیمتر است. این آیات و عبارات بر آن خوانده شد:  
 بر بالای جدار شرقی ضریح:

الله لااله الا هو الحی - تا - مافی السموات

بر بالای جدار جنوبی:

ومافی الارض - تا - مابین ایدیهم وما خلفهم ولا

بر بالای جدار جنوبی قسمت دوم:

یحیطون بشیء من علمه - تا هو العلی العظیم وهو الغنی بسم الله

الرحمن الرحیم

بر بالای جدار شمالی: یارب یارب یارب یارب یارب.

بر جدار جنوبی بریکی از پایه‌های وسط ضریح:

باعث وبانی این ضریح گردید عالیشان معلی مکان آقا محمد حسین

زمدان.

سنگ قبری در گورستان بقعه است که نام «حلال خوار» که از خاندانهای

قدیمی مازندران است بر آن دیده می‌شود. عبارات آن از این قرار است:

۱۲۵۲

لااله الاالله محمد رسول الله علی ولی الله کل من علیها فان تاریخ

وفات مرحمت و مغفرت پناه عباس ابن مرحوم قربان بك حلال خوار.

قلعه جخرود = موزی کتی<sup>۲۰</sup>

در لمسوکلای بندپی

قلعه جخرود که امروزه نام «موزی کتی» شهرت دارد از کوتیهای بسیار بزرگ و بلند است. بلندی آن در حدود سی متر و اراضی بالای آن در حدود دوازده هکتار. این اراضی دراز و کشیده است. در زمان ناصرالدین شاه آثار بنا بر این کوتی بوده است. در مجموعه کتابخانه بیوتات سلطنتی آمده است «قلعه جخرود در لمسوکلای از گنج و آجر ساخته شده حمام و حوض دارد، در قلعه کوه است. آثار آن باقی است (مجموعه بیوتات سلطنتی ج ۵ شماره ۷۲۶ ص ۲۹ الف). عین این مطالب را محمد حسن خان اعتماد السلطنه در مرآت البلدان ج ۴ ص ۲۱۴ و ۲۱۵ آورده است.

فك چال کتی<sup>۲</sup>

در دهکده فک چال بندپی

خاك ریزی است دستی در حدود سه تا پنج متر ارتفاع و سطح اراضی بالای آن به پنج هکتار می‌رسد. در سالهای اخیر خانه‌هایی بر بالای آن ساخته‌اند.

قلعه کوپی سرا

در اراضی دهکده کوپی سرای بندپی

کوپی سرا کنار رودخانه «سجهرود»<sup>۲۱</sup> است. بر بالای کوهی که مشرف به این آبادی است، آثار قلعه خرابه‌ای پیدا است. در مجموعه کتابخانه بیوتات سلطنتی آمده است «از قلعه‌های بند پی قلعه کوپی سرا است در قلعه کوه از گنج و آجر ساخته شده و همه لوازم را دارد.»<sup>۲۲</sup>

قلعه ای قدیمی

در دهکده عموان بندپی

این قلعه از گنج و آجر در قلعه کوه است.<sup>۲۳</sup>

۲۰. بکسر فاء و کاف. ۲۱- بکسر سین. اهل دیوان به نام «سجاد رود» می‌شناسند.

۲۲ و ۲۳ - مجموعه کتابخانه بیوتات سلطنتی ج ۵ شماره ۷۲۶ ص ۴۹ الف.

قلعه‌ای قدیمی

در خشت رود پی

در خشت رود پی بند پی قلعه ایست که از گچ و آجر ساخته شده است.

باغ عبدالحسین خانی

در نشل ۱۲۴ از دهکده‌های بندپی

باغی است با درختان کهنسال میوه و دیواری بلند از سنگ و گچ که فعلاً اراضی آن محدود شده و روی در خرابی دارد. بانی این باغ منصور لشکر است که حاکم این صفحات بوده است. نشل در تابستان مرکز حکومت بیلاقی بوده است. منصور لشکر<sup>۲۵</sup> باغ را به یعقوب بیگ و مشهدی جعفر فروخت و فعلاً در دست وارث ایشان است.

میان این باغ بنائی مستطیل شکل از چوب است که اطراف آن پنجره‌های ارسی دارد. درازای اطاق پنج دهانه پنجره ارسی و در پهنای آن سه دهانه پنجره ارسی است. درازای بنا ۵۷۵ و پهنای آن ۳۴۵ سانتیمتر است (عکس شماره ۱۶۴ و ۱۶۵).

مسجد جامع یا مسجد محمد تقی خان

در نشل از دهکده های بند پی

برجرزهای دو طرف مسجد گچ بریهای ظریف است (عکس شماره ۱۶۶). مقداری از کتیبه قدیمی مسجد به خط نستعلیق در دو ردیف بر دیوار غربی بدین شرح باقی است:

.... جایگاه بسالت انتباه محمد تقی خان بند پی وقف نمود ملک و انده و نصفه ملک میدانک که از منافع صرف خرج این مسجد شود به لعنت خدا گرفتار شود که ضبط موقوفات مزبور می نماید. بسر کاری امامقلی بیگ و به استادی اسمعیل

۲۴- بکسر نون و شین ۲۵- میرزا علی خان پدر میرزا ابوتراب خان سرتیب معروف به منصور لشکر.

ابی سمت انجام [بندیرفت] تحریرا فیشهر رجب المرجب ۱۲۵۷ مشقه میرزا محمد قاضی . برزیلوی مسجد نیز نام «مسجد محمد تقی خانی» دیده می شود که مخصوص این مسجد بافته اند .

دفتر لی ۲۷

در يك كيلومتري شمال دهكده نشل

بر سمت راست آب نشل<sup>۲۸</sup>، رشته کوهی بلند و پر پرتگاه است . تقریباً سراسر این رشته بند است و گذرگاه ندارد . در میانه بند غاری است که در محل سه نام «دفتر لی» شناخته می شود . معروف است پادشاهی کتب و نوشته‌های خود را برای حفاظت در آنجا قرار داده است .

سه کاروانسرا

بر سر راه نشل به لزور (لزیر)

راه نشل به لزور از راههای قدیمی است. این راه از نشل به گروه (بکسر گاف)، برزنه (= ورزنه) (بفتح باء و زاء)، اسکندر بن (بکسر الف و فتح کاف و کسر راء و فتح باء)، رباط اول که در اراضی کتوزان (بفتح کاف و واو) که آبریز آن به طرف نشل است و جزء اراضی این دهکده به حساب می آید . میهون رباط (میان رباط) در اراضی «وردواو» (کنار دو آب) است و میان این دو گمبوج بیش از دو کیلومتر فاصله نیست . رباط سوم نیز در اراضی «وردواو» است ، وردواو، زرسر (بفتح زاء و کسر راء و فتح سین) ، چفت (بفتح ج) ، دله میون (بفتح دال) ، پنیرون ، کاریز ، لزور (= لزیر) ، اهنز، شاد میهن ، ارجمند ، ظاهراً این راه قدیمی از مشهدسر (بابلسر) به بارفروش ده (بابل امروز) و از آنجا به بندپی و از آنجا به شیخ موسی و از شیخ موسی به برزنه و لزور و ارجمند و فیروز کوه می رفته است. این سه رباط یا گمبوج بر سر این

۲۷- بفتح دال و سکون فاء و کسر راء به معنی دفتر و کتاب است و «لی» در لغت محلی به معنی سوراخ و غار است . ۲۸- شعبه‌ای از این رودخانه از بیلاق رسم در جنوب و شعبه دیگر از مراتع وازک در مشرق نشل می آید .

راه قدیمی ساخته شده بوده است. مسیر این جاده بیشتر در کنار آبی بوده که به بندپی می رود و به سرچه رود و سپهرود «سجادرود» (بفتح سین و کسر دال) معروف است.

قلعه پیل پاهان

بر سر کوه پیل پاهان

بر سر راهی که از نشل به لزور (لزیر) می رود و از رباطها (کمبوجها) می گذرد، بر سمت راست این راه کوهی سرکشیده است بر بالای آن آثار قلعه ای قدیمی است. امروز کوه بی بی گویند.

خانه های قدیمی

در دهکده نشل بندپی

در دهکده نشل، خانه های قدیمی با تالارها و پنجره های ارسی نسبتاً زیاد است از آنها می توان منزل جمشید سلیمان تبار را نام برد که پنجره های ارسی تالار آن تقریباً سالم بود (عکس شماره ۱۶۷). منزل قوام الدین سلیمان تبار نیز پنجره ارسی همانند منزل جمشید سلیمان تبار داشت.

راه نشل به لاسم

نشل، خرم، ۲۹ پردر، ۳۰ رسم، ۳۱ لاسم ۳۲.

راه نشل به بایجان از راه لوت

نشل، پردر تنگه، ۳۳ کتوچال، ۳۴ موزون، الفش، ۳۵ و یارک، تله، ۳۶، لوت، بایجان که کنار آب هراز است.

۲۹- بکسر خاء و راه. ۳۰- بفتح پ و دال

سین. ۳۳- بفتح پ. ۳۴- بفتح کاف.

۳۶- بفتح تاء. ۳۵- بفتح الف و فاء. ۳۲- بکسر

نمش خانه

در گورستان دهکده نشل

بنائی است هشت ضلعی از سنگ و گچ که هر ضلع آن ۱۱۵ سانتیمتر است. دری کوچک دارد که قفل بود و از کلید آن نیز نشانی نبود از این جهت داخل بنا دیده نشد. سقف بنا گنبدی توسی خورده است (عکس شماره ۱۶۸).

گورستان

در دهکده نشل

سنگ قبری که حاکی از زلزله سال ۱۳۳۶ شمسی است در این گورستان بدین شرح دیده شد:

۱۳۳۶ شمسی

آرامگاه ایرج ولد مرحوم مشهدی عنایت سلیمان تبار نشلی در سال زلزله زیر حواری [آوار] بیست ونهم بهمن ماه قدیم به رحمت خدا پیوست.

۱۲۹۰

مشهدی سایمان انزابی لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله

۱۳۳۰

نهال عمر جوانی زدم به خاک سیاه اقول اشهد ان لا اله الا الله

تاریخ وفات مرحوم غلامعلی ولد مرحوم استاد حسن رضائی.

سنگ دیگری مورخ بیست رمضان ۱۳۲۲ شمسی بود.

سنگهای سائیده و فرسوده مورخ ۱۲۴۱ و ۱۲۵۹ و ۱۲۶۵ و ۱۲۹۲ نیز در این

گورستان بود که مطالب آن درست خوانده نمی شد.

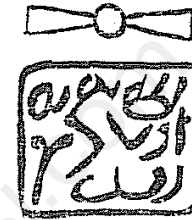


خرابه شهری قدیمی در آبدان

بر سر راه دهکده شیخ موسی به نشل پس از اینکه از تنگ خارج شدیم طرف دست چپ تپه عظیمی است که بردامنه های آن و سمت راست آب این دره سفال و آجر فراوان دیده می شود. از قبوری که در این تپه است، دستبند و گردن بند و کوزه های سفالین بیرون آورده اند. سنگ قبری در لیسر که نزدیک آبدان است دیده شد. این سنگ را از آبدان بدینجا آورده بودند. طول این سنگ ۷۷ و پهنای آن ۴۶ سانتیمتر است بزرگ طرف آن این علامت و طرف دیگر آن خطی بود که هیچ خواننده نشد (عکس شماره ۱۶۹).

امامزاده عبدالله

در دهکده شیخ موسی از دهکده های بندپی



مرقد امامزاده عبدالله در بنائی هشت ضلعی با بامی سفالپوش است (عکس شماره ۱۷۰) صندوقی به درازای ۲۴۴ و پهنای ۱۲۳ و بلندی ۱۳۸ سانتیمتر مرقد را پوشانده است. بر قسمت بالای بدنه شرقی این صندوق آیات و عبارات زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين انافتحنالك فتحاً مبيناً اللهم اغفر لنا راقم الحروف كلب آستان امامزاده واجب التعظيم محمد فيروز جاهي برحاشية بالای بدنه جنوبی صندوق:

لا اله الا الله هو الحى القيوم - تا من علمه الابماشاء

برحاشية بالای بدنه غربی:

وسع كرسيه السموات والارض - تا والله سميع عليم

بر میان بدنه جنوبی:

بسعی و اهتمام سعادت مآبان آخوند ملاخلیل الله متولی و آخوند ملاآقا متولی مزار و به حمایت طایفه فیروز جاهی و بهنجاری استاد عباسقلی

نجا رباشی تمام شد حرره ابراهیم فیروز جاهی ۱۳۰۶ .  
نیمه ای از صندوق کنده کاری دارد و خط کتیبه های آن خط نستعلیق خوش است.  
در ورودی بقعه دولنگه ای است و بلندی آن به ۱۱۵ سانتیمتر می رسد بر پائوها کنده کاری و منن در قاب و گره است. بر قسمت بالای لنگه سمت راست عبارات زیر حک شده است:

عمل استاد عباسقلی و استاد علی اکبر غفر الله

بر پاسار پایین همین لنگه:

حرره موسی ولد ابراهیم فیروز جاهی فی سنه ۱۳۱۸

بر پاسار بالای لنگه سمت چپ:

نصر من الله وبشر المؤمنین

بر پاسار پایین همین لنگه:

البانی الحقیق آقا اکبر فضل الله کاظم بن رضا قلی .

زیارت شیخ موسی ۲۷

در دهکده شیخ موسی از دهکده های بندپی

زیارت شیخ موسی نزدیک امامزاده عبدالله و تقریباً متصل به آن است . مرقد شیخ موسی در اطاقی مستطیل شکل است که یکی از درهای آن به مسجدی بزرگ باز می شود. ضریح مشبکی در وسط اطاق است که بر چهار حاشیه بالای آن آیه الکرسی به خط نسخ حک شده است . در آخر آیات این عبارات خوانده می شود:

این ضریح<sup>۲۸</sup> منور مطهر حاجی شیخ موسی راقم الحروف<sup>۲۹</sup>

آ محمد ۱۳۱۰

بر در دولنگه ای ورودی شیخ موسی آیه الکرسی از ابتدا تا انتها حک شده و

۳۷- ملگنوف از بقعه شیخ موسی نام برده است (نسخه عکسی ملگنوف ص ۸۲ ب)

۳۸- اصل: دریح . ۳۹- اصل: الحرف .

بر لنگه سمت راست وحاشیه بالای آن این عبارات خوانده می شود :

بسم الله الرحمن الرحيم هو الله تعالى و انه الله نستعين الامر اليه

[کذا]

بر پاسار وسط لنگه سمت چپ عبارات زیر حک شده است :

البانی آقا کبر و فضل الله و کاظم ولد آقارضاقلی فیروزجاهی عمل

استاد عباسقلی و علی اکبر و ابراهیم سنه ۱۳۱۸ کاتب از لطف خداوند کریم

هست موسی ولد ابراهیم فیروزجاهی ۱۳۱۸

در مسجد متصل به بقعه شیخ موسی سنگ قبری بردیوار نصب است. درازای

آن ۴۵ و بهنایش ۳۰ سانتیمتر است. این عبارات بر آن خوانده می شود:

بسم الله الرحمن الرحيم لاله الا الله محمد رسول الله على ولي الله

کل من عليها فان تاریخ وفات مرحوم شرف الحاج حاجی باباخان سلطان

ولد مرحوم آقا جان سلطان فیروزی سنه هزار و سیصد و پنجاه فی شهر

فروردین قدیم

محل های اطراف شیخ موسی

۱- لهه (بکسر لام و هاء) ۲- لتی (بکسر لام) ۳- پریجون (بفتح پ) ۴-

استه چال (بکسر الف و تاء) ۵- تراجه (بفتح تاء و تشدید راء) ۶- سبزخمن (بکسر

زاء و ضم خاء و فتح میم) ۷- شاه لینگه چال ۸- نیراسب (بکسر نون و سکون یاء) ۹-

دزد آقابن (بضم باء) ۱۰- چلیاسر (بکسر چ و تشدید لام) ۱۱- اینیجدان (بفتح الف)

۱۲- سله بن (بکسر سین و لام و باء) ۱۳- ونه بن (بفتح واو و کسر باء) .

حشم جای (الف چرها)

۱- شال درگا (بفتح دال) ۲- اسبو (بکسر الف) ۳- کمر پشت (بفتح کاف و میم

و کسر پ) ۴- کتیوگک (بفتح کاف) ۵- وسیه (بکسر واو) ۶- کت بلی (بفتح کاف و

پ) ۷- خینو (بفتح خاء) ۷- کتر اچال (بکسر کاف و سکون تاء) ۹- سیو جی .

امامزاده حسن بن موسی الکاظم علیه السلام

بر بالای کوهی به نام وسو ۴۰ از کوه های بندپی

راهی که از آلاشت به امامزاده حسن می رود ، از نقاط ییلاقی زیر می گذرد :

زیهون ، زرشت بکوش ، ۴۱ هلن ، ۴۲ سنگهرچ ۴۳ که آبادی کوچکی است

گردنه وسو ، کمر پشت ، ۴۴ تورکش ، ۴۵ و امامزاده حسن .

بنای این امامزاده هشت ضلعی و گنبد آن کلاه درویشی است . مصالح اصلی

بنا سنگ و گچ است که از تو و بیرون سفیدکاری کرده اند . محیط این هشت ضلعی بالغ

بر نوزده متر است . کفش کنی به طرف شرق دارد . در کفش کن و در ورودی امامزاده

شرقی است (عکس شماره ۱۷۹) . صندوقی چوبین ساده در وسط بناست . در قدیمی

بنا را در سال ۱۳۵۰ شمسی کنده بودند و به جای آن دری آهنین گذاشته بودند (عکس

شماره ۱۷۲) . مطالبی که بر این در دولنگه چوبین حک شده است از این قرار است :

بر پاسار بالای لنگه سمت راست :

انا فتحنا لك فتحاً مبيناً

بر پاسار بالای لنگه سمت چپ :

وينصرك الله نصراً عزيزاً

بر پاسار دوم لنگه سمت راست :

بعهد خسرو جمجاه ناصرالدين شاه

بر پاسار دوم لنگه سمت چپ :

تمام شد در این آستان عرش پناه

بر پاسار سوم لنگه سمت راست :

کرده نجاریش عباسقلی

۴۰- بفتح واو و ضم سین و تشدید آن . این کوه شامل بازویی است که آبریزگری آن به

طرف لفور و آبریز شرقی آن به طرف آلاشت است . ۴۱- بکسر زاء و راه و فتح باء .

۴۲- بفتح هاء و لام . ۴۳- بفتح راه . ۴۴- بکسر پ . ۴۵- بفتح کاف .

بر پاسار سوم لنگه سمت چپ :

هست استاد مبارك مقدم

بر پاسار پایین لنگه سمت راست :

در آن دم که بوده است ایام خوش

بر پاسار پایین لنگه سمت چپ :

هزار و دو بیست بود و هفتاد و شش

بر باثوی سمت چپ و باثوی سمت راست لنگه سمت راست:

ای درت قبله ارباب کرم

پشت گردون پی تعظیم تو خم

هر سحر بر کشد از شرق علم

نشناستند سر از پا و قدم

فخر بر خیل عرب تا بهجم

روز و شب بسته کمر همچو خادم

بر باثوی سمت راست و باثوی سمت چپ لنگه سمت چپ :

خارجی را نبود ره به حرم

چشمه بارگهت چون زمزم

چون فقیران و اسیران بدرم

کرده میرزا تقی از صدق رقم ۱۲۷۶

ای شهنشاه جهان فخر ام

هست چون کعبه حریم تو ولی

بارگاه تو بود همچو صفا

پادشاهان بدرت محتاجند

شعر و نقاشی و خطرا ای شه

بانی در شده حاجی جعفر

کتابه این دولنگه به خط خوش نستعلیق است و هر دولنگه کنده کاریهای ظریف

دارد (عکس شماره ۱۷۳).

مسجدی نظر کرده

در فیل بند بندپی

فیل بند از دهکده‌های تابستان نشین است و مانند بیشتر مراکز گله داری در فصل

تابستان پر جمعیت و در فصل پائیز و زمستان کمتر کسی در این دهکده باقی می ماند.

نزدیک این دهکده مسجدی است که کالشان و گله داران تمام وسایل مورد نیاز تابستانی خود را از چادر و ظروف مسینه و سفالینه در این مسجد بی در و در بند می گذارند و خود به دشت مازندران می روند و معتقدند کسی از این مسجد نمی تواند چیزی بدزدد و اگر کسی چنین کرد جان سالم به در نخواهد برد (عکس شماره ۱۷۴).

باقی بناها و آثار تاریخی بندپی

۱- قلعه لمسر کلا<sup>۴۶</sup> در دوفرسنگی شیخ موسی کنار آب رو به شمال.

۲- قلعه باقلعه دریک فرسنگی لمسر کلا رو به شمال کنار آب.

۳- سد قدیمی پادشامیر نزدیک قلعه باقلعه.

۴- امامزاده ابوالحسن در گنج کلا<sup>۴۴</sup> بندپی.

۵- امامزاده‌ای در سنگوش محله بندپی.

۶- امامزاده‌ای در خواجه کلا<sup>۴۸</sup> بندپی.

۷- قلا بالای سرده نسل بندپی.

۸- امامزاده هزار خال نزدیک انده وار بندپی.

۹- امامزاده‌ای در کبود کلا از دهکده‌های بندپی.

۱۰- امامزاده عباس در دهکده‌ای به همین نام از دهکده‌های بندپی (نسخه

عکسی ملکنوف ص ۸۴ ب)

۱۱- امامزاده شاه رضا در احمد کلا<sup>۴۷</sup> بندپی. از راه پادشامیر به احمد کلا

می روند.

۱۲- امامزاده خوجه در سلوک بندپی به تولیت سید نورالله (طومار متولیان)

صفوی).

۱۳- برجی قدیمی در گریوده بندپی.

۴۶- بفتح لام و سکون میم و فتح سین. ۴۷- گنج کلا<sup>۴۷</sup> از بخش بندپی بابل ۲۶

کیلومتری جنوب بابل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳). ۴۸- خواجه کلا، ده از

بخش بندپی شهرستان بابل ۳۷ کیلومتری جنوب بابل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳).

۱۴- برجی قدیمی در ورزنه بندپی .

۱۵- تپه شاه نشین در دهکده آری بندپی کنار سرچهرود (سجادرود) بر سر راه این تپه آجرهای قالب بزرگ نظیر آجرهای دوران ساسانی است .

۱۶- تپه ای قدیمی در ضلع دارکلاهی بندپی کنار جاده جدید.

۱۷- قلعه مرزناک نزدیک مرزناک و گردرودبار (گردرودبار ده از بخش بندپی

شهرستان بابل ۴۳ کیلومتری جنوب بابل ، فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳) .

۱۸- تپه صورت در دهکده صورت . از راه قدیم آمل به حمزه کلاهی شش پل

و از آنجا به صورت می رود . صورت ، ده از بخش بندپی شهرستان بابل ۲۱ کیلو-

متری جنوب بابل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳) اراضی اطراف تپه شالی زاری

اسفندیارخان پهلوان داماد امیرمکرم است .

بخش سوم

## بناها و آثار تاریخی شاهلی (علی آباد) و اطراف آن

#### مختصری از جغرافیای شاهی (قائم شهر)

شهرستان شاهی از شمال به دریای مازندران، از مشرق به شهرستان ساری، از مغرب به شهرستان بابل و از جنوب به رشته جبال البرز محدود می‌شود. این شهرستان به دو بخش مرکزی و سوادکوه تقسیم می‌شود. بخش مرکزی شامل ده دهستان به شرح زیر است:

۱- علی آباد، ۲- بالاتجن، ۳- بابل کنار، ۴- تالارپی، ۵- کیاکلا، ۶- نو- کندکا، ۷- بیشه‌سر، ۸- کارکنده، ۹- گیلخواران، ۱۰- مشک‌آباد.

شهر علی‌آباد (شاهی) که سابقاً دهکده‌ای بیش نبود از اتصال آبادی‌های: کوچک‌سرا، کتی‌سرا، آب‌پندان‌سر، حسین‌آباد، سید محله، بربر محله، مجاور محله (ترک‌محله، کبریت محله) تبدیل به شهری نسبتاً آباد شد و در سال ۱۳۱۴ نام آن به دستور رضاخان از علی‌آباد به شاهی تغییر کرد.

سوادکوه از شمال به بخش مرکزی شاهی و از جنوب به فیروزکوه و از مشرق به بخش دو دانگه ساری و از مغرب به بخش بندپی بابل محدود می‌شود و شامل پنج دهستان است به این شرح:

۱- ولویی، ۲- راستویی، ۳- لفور، ۴- کسلان، ۵- شیرگاه.

## ۱- بناها و آثار تاریخی شهر شاهی (علی آباد) و تالار پی

قصر شاه عباس

در بازار علی آباد

شاه عباس در اینجا قصری ساخته و آنرا بوسیله باغی آراسته بود. راه پشته‌های عمده این قصر از میان علی آباد می‌گذشته است.<sup>۱</sup>

امامزاده‌ای

در علی آباد (شاهی)

سید ظهیرالدین در این دهکده (امروز شهری است) از بقعه‌ای نام می‌برد که زیارتگاه اهالی اطراف آن بوده است. این زیارتگاه تا امروز باقی است.<sup>۲</sup> (زمان رابینو ۱۳۳۰ قمری)

امامزاده‌ای که قدمت آن تا زمان سید ظهیرالدین (۸۸۱ قمری) برسد در شهر شاهی امروز شناخته نشد.

میر تیمور نیز از امامزاده‌ای در علی آباد یاد می‌کند که نام و جای آن شناخته نیست.<sup>۳</sup> در طومار متولیان دوران صفوی در شمال ایران نامی از «مزار درویش محمد واقع در علی آباد» به میان آمده است. در محل پرسش کردیم چنین بقعه‌ای را نمی‌شناختند. ظاهراً در طول زمان از میان رفته است.

امامزاده یوسف رضا<sup>۴</sup>

در محل هلال احمر علی آباد

بنای اصلی بقعه در نوسازیهای زمان رضاخان از میان رفت. چنانچه قدیمی آن باقی است که فعلاً در محوطه شیر و خورشید سرخ است و مردم شهر هنوز برای زیارت به پای چنار می‌آیند این چنار عظیم را، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران با شماره

۱ و ۲- سفرنامه مازندران و آستارآباد رابینو متن انگلیسی ص ۱۲۰ . ۳- تاریخ خاندان مرعشی مازندران ص ۱۹۳ . ۴- در طومار متولیان دوران صفوی از این

امامزاده یاد شده و تولیت آن در آن تاریخ با مولانا مرتضی بوده است .

محلی يك و شماره عمومی شانزده جزء ثبت درختان کهن آورده است .

امامزاده حمزه

در بربری محله شاهی

بنای قدیمی را خراب کرده‌اند و بنائی نوساز به جای آن ساخته‌اند از آثار هنری و تاریخی چیزی در این امامزاده نیست . در گورستان اطراف بقعه يك اصله درخت آزاد و يك اصله درخت موزی است .

امامزاده اسماعیل

در گورستان شهر شاهی (علی آباد)

امامزاده اسماعیل در وسط فضای وسیع گورستان شهر است در این محوطه درختان شار و گردو و انگور و آزاد و درختان دیگر است . درخت آزاد کهنسالی که گرداگرد تنه آن ۵۳ سانتیمتر است نزدیک بقعه است. در این بقعه آثار تاریخی و هنری وجود نداشت .

قلعه علی آباد

در مجلد پنجم از مجموعه کتابخانه بیوتات سلطنتی شرحی از این قلعه آمده است ولی از جای قلعه یاد نکرده است.<sup>۵</sup> در محل تحقیق کردیم اطلاعی نداشتند . آقای نصرالله علی آبادی حدس زدند که جای آن بر سر تپه نزدیک به «چاله زمین» بوده است. خاک ریز این قلعه تا امروز برجای است و قسمتی از اراضی آن باغ مرکبات آقای ناصرعلی آبادی است . ارتفاع این خاکریز در حدود هشت متر و سطح بالای آن به ۲۵۰۰ متری رسد . قسمت جنوبی آن کنار خیابان افتاده ، خاک آن را کنده و برده‌اند. طبقه‌ای سوخته که ظاهراً بر اثر آتش سوزی قلعه به وجود آمده است باخشتهای کلفت قدیمی دیده شد .

در طومار متولیان امامزاده‌های مازندران در دوران صفوی از « امامزاده سید

۵- مجموعه کتابخانه بیوتات سلطنتی ج ۵ شماره ۷۲۶ ص ۴۶ ب و ۴۷ الف .

نصر بن سید محمد نام برده اند و محل آن را «واقع در بالا دشت علی آباد» یاد کرده اند. از این امامزاده امروز اثری برجای نیست و دهکده‌ای به نام «بالا دشت» در حومه علی آباد نمی‌شناسیم. تولیت این امامزاده در آن تاریخ با «مولانا علی» بوده است.

امامزاده اسماعیل

درسارو کلا از دهکده‌های علی آباد

در حدود ده سال است که بنای اصلی را به هم زده و نوسازی کرده اند.

سید محمد

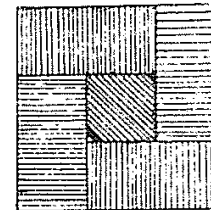
دردقادی کلای بزرفک از دهکده‌های علی آباد

بنائی ناقص بدون سقف بود و هیچگونه آثار تاریخی و هنری نداشت. درختان آزاد کهنسال اراضی اطراف آن به ترتیب ۴۸۰ و ۵۱۰ و ۵۱۵ و ۵۵۰ سانتیمتر گرداگرد تنه آنها بود.

سید حیدر

درباغ دشت (باغشت) علی آباد

بقعه ایست چهار گوشه با بامی سفالپوش. صندوقی که ساختمان آن از قاب و آلت است در وسط بناست که این نقش بر بدنه‌های آن تکرار شده است:



مسجدی متصل به بقعه است که پنجره‌های ارسی رنگین دارد. پنجره‌ها و محفظه‌های بالای آنها قاب و آلت است. قابهای چهار گوشه پنجره‌ها رنگهای آبی و نارنجی و سفید و سیاه دارد. در قابهای محفظه‌ها رنگ سیاه به کار نرفته است. درختان آزاد و موزی کهنسال در محوطه پشت بقعه زیاد است.

درویش موسی

بر تپه بیشه ملازن کاج حومه علی آباد (شاهی)

تپه‌ای که بقعه درویش موسی بر آن ساخته شده است، از تپه‌های قدیمی و بلند حومه علی آباد (شاهی) است. در شمال غربی بقعه، این تپه ارتفاع بیشتری داشته است که در سال ۱۳۴۹ ه. ش. مرحوم حاجی رحمت اعظمی علی آبادی بدون کسب اجازه از مقامات صلاحیت دار این قسمت تپه را با «بولدزر» تخریب و صاف کرده است. آجرهای فراوان دوران ساسانی از این قسمت به دست آمده که دو سه قالب ناقص آنها در زیر درخت آزادی که در بالای تپه است دیده شد. قطر آجرها ده سانتیمتر و جانب سالم آن ۳۳ سانتیمتر و جانب دیگر ظاهراً درازتر و شکل مستطیل داشته‌اند. ترکیب نام این تپه عجیب و نامفهوم است. ظاهراً نامی قدیمی بوده که بر اثر از دست دادن معانی اجزاء کلمه بدین شکل در آمده است. نود هکتار زمین تپه و اراضی زیر دست آن ملک وقف درویش موسی است. بر بالای تپه در حدود ۲۵ اصله درخت آزاد قطور است و در جنوب تپه توسکاگله ایست که در وسط شالی زار می افتد و جزء موقوفات این بقعه است.

بقعه درویش موسی شامل بنای اصلی و مسجد و ایوان است (عکس شماره ۱۷۵). بنای اصلی بقعه چهار گوشه است و صندوقی به درازای ۲۳۰ و پهنای ۱۰۴ و بلندی ۷۷ سانتیمتر وسط بناست.

بدنه شمالی صندوق شامل هفت قسمت است که چهار قسمت کتیبه و سه قسمت نقش کننده کاری است.

بر کتیبه دست راست عبارات زیر حک شده است:

السلام علی اهل لا اله الا الله والتحیه علیهم

بر کتیبه دوم:

عمل استاد علی بن حسن نجار فی سنه سبع اربعین وثمانمائیه

بر کتیبه سوم:

هذا مرقد المرحوم موسی ابن احمد من سلطانیه

بر کتیبه چهارم:

اللهم ارحم واغفر لاهل لاله الا الله لفضلك (عکسهای شماره ۱۷۶

و ۱۷۷).

عبارات و کنده کاریهایی که بر بدنه شرقی است، شامل دو کتیبه در دو طرف و نقشی در وسط است.

کتیبه اول:

اللهم اغفر سیئاته و ادخله تحت جنبانه

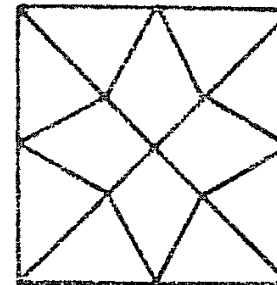
کتیبه دوم:

اذا تحيروا فی الامور استعينوا اهل القبور

بدنه جنوبی شامل هفت قسمت است که دو قسمت طرفین مشبك کاری و مابقی نقوش کنده کاری است.

بدنه غربی شامل سه قسمت است که دو قسمت طرفین مشبك کاری و وسط نقش کنده کاری است.

چهار قبه صندوق را با اینکه کهنه‌های آن در رف بقعه بود، تعویض کرده و قبه‌های نو به جای آنها گذاشته بودند.



در ورودی بقعه قدیمی و از تخته‌های قطور ساخته شده است که به هم کم و زیاد کرده‌اند.

این نقش در تمام سطح دولنگه تکرار می‌شود. مسجدی جلوبنای اصلی است و ایوانی

که دو طرف راست و چپ آن سکو مانند است در جلو مسجد ساخته شده است.

بالای سردر ورودی پنجره نورگیر مشبك چوبین است (عکس شماره ۱۷۸).

مشهد چمنو = مشهد چمنو - مشهد چمنون

در دهکده چمنون (جمیان) از دهکده‌های علی آباد

این بقعه امروز به نام امامزاده چمنان معروف است. سید ظهیرالدین روز یکشنبه پانزدهم شعبان سال ۸۹۲ این محل را زیارت کرده است و در باره آن می‌نویسد «روز یکشنبه پانزدهم شعبان به ولایت علی آباد (شاهی) نزول واقع شد. و مشهد مبارک چمنو را زیارت کرده و آستانه رفیع را به لب ادب ملثوم گردانیده آمد.»<sup>۶</sup>

سید ظهیرالدین در جای دیگر می‌گوید:

چمنو دهی است از ولایت ساری و مشهدی از سادات عظام آنجاست

و آن مقام را زیارت می‌کنند.<sup>۷</sup>

سید ظهیرالدین باز می‌گوید:

از ساحل بحر به چمنو رسیده<sup>۸</sup>

در تاریخ طبرستان منسوب به ابن اسفندیار آمده است:

آرم و چمنو و تلار و اهلم را به نان او پدید کرد.<sup>۹</sup>

در تاریخ خاندان مرعشی این نام دوبار به شکل «چمنو» و سه بار به شکل «چمنون»<sup>۱۱</sup> یاد شده است.

رابینو می‌نویسد:

مشهد چمنو یا چمنو چنانکه سید ظهیرالدین نوشته است بقعه ایست

که مدفن سادات است و زیارتگاه اهالی است.<sup>۱۲</sup>

۶- تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۴۶۴ . ۷- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص

۲۰۴ و تاریخ رویان ص ۶۷ . ۸- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۲۰۶ .

۹- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۶۲ . ۱۰- تاریخ طبرستان ج ۲ صفحات ۸۶ و ۱۲۴ .

۱۱- تاریخ طبرستان ج ۲ صفحات ۷۹ و ۸۱ و ۱۶۴ . ۱۲- سفرنامه مازندران و

استرآباد متن انگلیسی ص ۱۲۲ .



زیارتگاه جمنان چنانکه امروز می گویند در کنار شهر شاهی در فاصله دو کیلو متری است و در فاصله پانصد متری دهکده جمنان، دهکده فولادکلا است. در اطراف زیارتگاه جمنان درختان کهنسال آزاد است که دال بر قدمت زیارتگاه است. داخل بنای زیارتگاه آثاری که دلالت بر هویت صاحب یا صاحبان قبر کند نیست. معروف است که اینجا قبر سید نظام است. بنا شامل يك اطاق اصلی و يك ایوان است و سقف آن تخته کوبی و بام سفال سراسر است.

مهجوری می نویسد:

چمنو یا جمنان دیهی نزدیک شهر شاهی است.<sup>۱۳</sup>

در بازدیدی که در شهریور ۱۳۵۶ از این بقعه به عمل آمد، بنای قدیمی را یکسره خراب کرده بودند و با سیمان و موزائیک و درهای آهنین بنای نوسازی ساخته بودند که شباهت به همه چیز داشت جز بنائی مذهبی و مقبره ای قدیمی. این بنای جدید در محوطه بسیار وسیعی است که در حدود صد و بیست اصله درخت اطراف آن است. درختان آزاد این محوطه قدیمی است. قدیمی ترین آنها سه درخت نزدیک به بنای بقعه است که بترتیب ۴۰، ۵۶ و ۷۰ سانتیمتر گراگردتنه آنهاست.

#### پل چمنو

در تاریخ طبرستان و رویان و مازندران سید ظهیر الدین از پل چمنو یاد شده است.<sup>۱۴</sup> در تاریخ طبرستان ابن اسفندیار این پل به نام پل چمنویه آمده است: برای پل چمنویه و باول رود زر به خروارها ریخته بود و پارو در میان زده تا بر عمارت صرف کنند تا به هیچ موضع که آن آب رود به جمله طبرستان کوه و دشت و شهر و رستاق نگذاشت که از خشت و آهک پل نکرد.<sup>۱۵</sup>

۱۳- تاریخ مازندران ج ۲ ص ۱۸۲، ۱۴- ص ۲۰۵.  
۱۵- خشت به معنی آجر است. تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۰۵.

این پل که ظاهراً در ایام گذشته از میان رفته بود، به جای آن سه تیر انداخته بودند و بعدها معروف به پل سه تیر شده است و امروز از آن پل سه تیر هم نشانی برجای نیست.

#### حمام قدیمی جمنان

حمامی است از آجر، سربینه ای چهار گوشه با چهار صنفه که بر سر هر صنفه طاقی با هلال شکسته زده اند. گرمخانه دارای خزانه آب گرم و خلوت خانه ها و نوره- کش خانه و مستراح است.

سه دین در امتداد یکدیگر

در اراضی پایین جمنان علی آباد (شاهی)

دین اول بلندی آن در حدود سی متر از سطح اراضی اطراف و اراضی هموار بالای آن در حدود یک هکتار است.

دین دوم که معروف به «گردکوه» است، بالای آن کندی شکل و نوك تیز است. در بالا اراضی صاف و هموار ندارد و ارتفاع آن به هفتاد متر می رسد. کمی پایین تر از قله آن حلقه چاهی است که عمق آن معلوم نشد. از این تپه آجرهای قالب بزرگ ساسانی بیرون می آورده اند. سفال پاره های بدون لعاب در شیب آن دیده شد. این قسمت ظاهراً شاه نشین وارگت بوده است و احتمال آن است که زیر این قسمت نوك تیز بنا و ساختمانی باشد.

دین سوم در کنار سیاه رود است. بلندی آن پانزده متر و اراضی هموار بالای آن در حدود پنج هزار متر است.

این دینها ظاهراً با هم مرتبط اند و اراضی دامنه های آنها را افراد ضبط کرده و کشت می کنند و به میل خود خاک اطراف آنها را هموار می کنند. اخیراً مردی که نام او را با کوشش زیاد نیافتم کوره آجری ساخته و از خاک دین اول چهل هزار آجر بیرون داده است. طولی نخواهد کشید که این تپه قدیمی محو و نابود خواهد شد.